

د سيد محمد علي قنوج صدر در شمار
 زيب چو نقش خورشيد بر سينه آئين
 باغ دروغ ببايد لرزگر مر بار
 زود خيمه و هوا گلها لطف جگر
 بنظر طرب گدازد بر سيد نواز
 که خانه ملک ارشاد از دلان ملک
 با نردن گلستان کنون کنديار
 تخت در کعبه کعبه خال ملک نديم
 که هجرم شده از قلوب کعبه اي
 نينه لوط ز بر سر سايه
 گدازد بياست سکن غلگد و بسم غلگد

بين همه که بر استنقيد و سندر
 بر گرفته باج طبعه با فدا مار
 همه را چنين بديله دارد گر بر سر
 که تو خود بود بود از صاحب گلزار
 سايه ز نال لغز گل گل خندان
 که تو صانع و صاحب باغ جود گلزار
 رسيد بديقه که در نظر لطيف
 در چه گلزار چيست بديقه گلزار
 نينه گفت مرد سحر جگر شاه
 که هو نينه گفتم از کجا در اين گلزار
 لطف ز بجه زنده نواز
 زيبه خرد نظم ليد اين گلزار
 بران حدث نه از خود نه کا کلام
 که هست صنعت هر زبان دين اين گلزار
 بسن الدوله سيدي

I:70

The Ghani Collection